

نام رومن گیرشمن برای اهل تاریخ و باستان شناسی ایران نامی آشناست. از میان دهها باستان شناس که طی دو قرن اخیر به ایران آمدند، گیرشمن از جمله پرکارترین آنان بود که سالیان دراز در ایران اقامت گزید (با این حال پس از سالها، و ضمن آگاهی از کاوش‌های انجام شده در ایران می‌نویسد: «امروزه سراسر محوطه ایران از نظر تحقیقات باستان شناسی بکسر و دست نخورده باقی مانده است!» ص ۱۲). گیرشمن در ۱۸۹۵ م. در پاریس متولد شد و در دانشگاه سوربن و مدرسه لوور به تحصیل اشتغال ورزید. در ۱۹۳۰ همراه هیأت باستان شناسان فرانسوی در عراق به حفاریات پرداخت.

در سالهای بعد به ریاست هیأتی مأمور ایران شد و در گیلان، لرستان، اسدآباد و سیلک مشغول حفاری گشت. در ۱۹۳۵ م. در شهر شاپور (شهر ساسانی که در قرن سوم م. بنا شد) به کار پرداخت و در ۱۹۳۶ با نخستین هیأت باستان شناسی مأمور افغانستان همکاری کرد و در ۱۹۴۱ م. به ریاست همان هیأت منصوب شد و پس از جنگ دوم جهانی از طرف حکومت فرانسه مأمور همکاری با دو هیأت فرانسوی که به ایران اعزام شدند گردید. در ۱۹۴۹ م. با کاروانی در کوههای بختیاری سفر کرد و در ضمن آن نخستین بار در ایران گورستانی را کشف کرد که متعلق به عهد سنگ جدید بود. او مدتی بعد به جای دمکنم مأمور پیگیری کاوش‌های شوش گردید که دهها باستان شناس، خط‌شناس، معمار و کارگر در آن به کار مشغول بودند. حاصل کارهای گیرشمن به جز آثار مکشوفه، گزارش‌ها و مقالات و مصاحبه‌های او و انتشار مجله «مطالعات ایران باستان» به همراه واندن برگ چندین جلد کتاب ارزنده است که برخی از آنها به فارسی ترجمه شده است: هنر ایران در ۲ جلد چغازنبیل در ۴ جلد و ایران از آغاز تا اسلام. هر یک از کتابهای مذکور در نوع خود کم نظیر و از معدود آثاری است که درباره تمدن و فرهنگ مردم ایران نوشته شده است و طی سالیان دراز از جمله منابع مهم برای پژوهشگران ایران باستان و مدرستان بوده است.

خواننده ایرانی که با آثار گیرشمن از طرفی و ماجراهای مربوط به او از طرف دیگر سر و کار می‌یابد نمی‌داند که باید قدرشناس او باشد و یا او را دشمن ملت و فرهنگ خود بداند! سطور زیر منظور از این سخن را روشن خواهد کرد.

دکتر نگهبان پیشکسوت باستان شناسان ایران در اواخر سال ۱۳۳۷ م. عده‌ای از دانشجویان رشته باستان شناسی را به خوزستان برده بود تا آثار منطقه مذکور را ببینند. در آن زمان دکتر گیرشمن با همکاران خود در چغازنبیل مشغول کاوش بود. او در ایران اسم و رسمی به هم زده بود و در محافل علمی و سیاسی نفوذ بسیاری داشت. گیرشمن توضیحات مشروحی درباره قسمت‌های مختلف حفاری، به دانشجویان ارائه کرد. در پایان وقتی یکی از دانشجویان علت عدم حضور نماينده (ایرانی) اداره کل باستان شناسی را پرسید

ایران باستان به روایت گیرشمن

تأملی در باب کتاب ایران
از آغاز تا اسلام

ایران از آغاز تا اسلام، رومن گیرشمن، ترجمه دکتر محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم ۱۳۷۶.

مسعود جوادیان

(طبق قانون می‌بایست این نماینده در محل می‌بود و آثار یافته شده را ثبت می‌کرد)، «پروفیسور گیرشمن با تبسم خاص و کنایه‌دار پاسخ دادند: ما با بازرس اداره باستان شناسی قرار خاصی داریم؛ بازرس باستان شناسی در تهران می‌ماند و فوق‌العاده مأموریت می‌گیرد و ما نیز در اینجا آزادانه هر کار بخواهیم، انجام می‌دهیم.»

چند سال پس از این ماجرا، دکتر نگهبان به معاونت اداره کل باستان شناسی منصوب گردید. روزی که گیرشمن به اداره مذکور رفت و اظهار داشت از فرانسه آمده و قصد دارد عملیات حفاری در شوش را ادامه دهد، خاطره چند سال پیش در ذهن دکتر نگهبان زنده شد. گیرشمن می‌خواست که اداره باستان شناسی بازرسی را برای منطقه عملیات معرفی کند و البته بسیار علاقه‌مند بود همان کارمند سابق انتخاب شود، لیکن برخلاف انتظار او، دکتر نگهبان «نفیسی» نامی را که فردی جدی و وظیفه‌شناس بود انتخاب و سفارش‌های لازم را به او کرد. نتیجه این کار آن بود که گیرشمن با بازرس جدید درافتاد و به هر حيله متوسل شد که وی را از سر راه بردارد؛ چرا؟ چون نفیسی به دقت اشیای کشف شده را فهرست برداری می‌کرد! نفیسی نه تنها اشیای کشف شده را فهرست برداری می‌کرد، بلکه چندی بعد به تهران گزارش داد که در قلعه شوش، در محل استقرار هیئت حفاری فرانسوی مقدار زیادی اشیای عتیقه و آثار باستانی وجود دارد که مربوط به پیشتر می‌شود و ثبت نشده است. (در میان این اشیاء، گچ بریدهای کشف شده از جزیره خارک دیده می‌شد که خود داستانی دارد. گیرشمن به آب و آتش زد که این کار انجام نگیرد اما موفق نشد. در عوض نقشه تلافی جویانه‌ای کشید؛

نامه‌ای به وزیر فرهنگ نوشت و مبلغ هنگفتی را بابت هزینه‌های صرف شده برای حفاری‌های جزیره خارک طلب کرد، اما با تحقیقات بعدی معلوم شد که کلیه مخارج حفاری‌های خارک را شرکت نفت عهده‌دار بوده است.

دست گیرشمن رو شده بود و دیگر کاری از او ساخته نبود! اما بشنوید از کارهای گیرشمن در جزیره خارک. او مدتی را نیز در جزیره مذکور به کاوش پرداخته است. گیرشمن نتیجه کاوش‌های خود در خارک را در مقاله‌ای به زبان فرانسه انتشار داد.

چند سال بعد آقای سیف الدین قائم مقامی به مناسبتی به خارک رفت.

قائم مقامی با توجه به ادعاهای گیرشمن به بررسی و جستجوی آثار جزیره پرداخت، وی مخصوصاً در پی دو قبوری بود که گیرشمن در مقاله خود از آنها یاد کرده است. از دو قبر نامبرده فقط یکی یافته شد و تلاش‌های قائم مقامی علیرغم کمک اهالی محل بی‌نتیجه ماند. قبر موجود نیز به شیوه‌ای مرموز پس از حفاری گیرشمن که مدعی شده جز استخوان چیز دیگری در آن نیافته! به روشی غیرعلمی به حالت اولیه در آورده شده بود.

سخنانی از این دست کم نیست. دو نمونه فوق تنها به منظور نشان دادن احساس دوگانگی که در هر ایرانی نسبت به گیرشمن پدید می‌آید ارائه شد. اکنون نگاهی به «ایران از آغاز تا اسلام» می‌افکنیم. فهرست کتاب بدین قرار است:

فصل اول : ما قبل تاریخ

فصل دوم : ورود ایرانیان

فصل سوم : شرق ضد غرب (شاهنشاهی هخامنشی)

فصل چهارم : غرب ضد شرق و عکس العمل مشرق

فصل پنجم : پارتیان

فصل ششم: توسعه تمدن ایرانی (ساسانیان)

نتیجه

عنوان‌های فوق گویای محتوای «ایران از آغاز تا اسلام» است. تالیف این کتاب صرفاً بر اساس یک پژوهش کتابخانه‌ای و سندی صورت نگرفته بلکه مؤلف حاصل پژوهش‌های خود را که بسیاری از آن نتیجه کاوش‌ها و استنباط‌های شخصی اوست به خواننده عرضه می‌کند. مباحث ماقبل تاریخ ایران در این کتاب هنوز هم جالب و خواندنی است و مباحث دوره تاریخی آن مشحون از جلوه‌های هنر و اندیشه ایرانیان و تأثیر آن در هنر همسایگان دور و نزدیک است.

گیرشمن همچون نویسندگانی نیست که کتاب خود را «تاریخ سیاسی - اجتماعی ...» می‌نامند اما در نوشته آنان اثری از اوضاع اجتماعی و فرهنگی نیست، بلکه در هر فصل پس از شرح تحولات سیاسی، به ارائه آگاهی‌های ارزنده درباره تشکیلات اداری و اوضاع اقتصادی و اجتماعی و هنر و معماری می‌پردازد. این شیوه در کلیه فصل‌های «ایران از آغاز تا اسلام» دیده می‌شود. او چنانکه میدانیم در جای جای کتاب خود به

ستایش تمدن ایران و شیوه‌های کشورداری ایرانیان که در مقایسه با حکومت‌های جهان باستان عادلانه بوده پرداخته است، در حالی که همو حکومت روم را مغرور، فاسد، و قسی می‌شمرد^۴، با این حال گاه نکته‌ای ابهام انگیز در کتاب او به چشم می‌خورد: «در مدتی متجاوز از ۲۰ سال، آنچه که در روستاییان در ناحیه کرمانشاه، مخصوصاً در هرسین، الشتر و خرم‌آباد - که در شمال لرستان است - یافته بودند، مجموعه‌های خصوصی و موزه‌های اروپا و امریکا را با هزاران شیء مفرغی و آهنی مژین ساخت»^۵. داستان غارت آثار تاریخی ایران در دو سده اخیر و جریان‌های مربوط بدان بیش از آن است که در اینجا حتی بتوان به آن اشاره‌ای کرد و ما در ابتدای این گفتار نمونه‌هایی از عملکرد گریشمن را دیدیم اما بویژه در خصوص این ادعای او نظر خواننده را به مقاله دکتر ایرج وامقی در مجله نشر دانش جلب می‌کنیم (گنجینه غارت شده، سال پنجم، شماره پنجم، مرداد و شهریور ماه ۶۴). واقعاً چگونه ممکن است متجاوز از ۲۰ سال روستاییان چیزهایی بیابند (بیابند) و یافته‌های آنان از مجموعه‌های خصوصی و موزه‌های اروپا و امریکا سر در آورد؟ در حالی که قوانین مربوطه به میراث‌های فرهنگی در کشور به تصویب رسیده، مراجع اداری ذیربط نیز وجود داشته‌اند و امثال آقای گریشمن نیز در آن سالهای در ایران کم نبوده‌اند.

نظریات گریشمن در باب تاریخ و هنر ایران چنانکه گفتیم نه برای اهل تاریخ نا آشنا است و نه در صلاحیت این قلم که به نقد آن بپردازد، همین قدر یادآور می‌گردد که از زمان انتشار «کتاب ایران از آغاز تا اسلام» تا کنون دهها و بلکه صدها اثر باستانی و بنای کهن از دل این خاک بیرون کشیده شده و کتب و مقالات بسیار به تحریر درآمده است که باید به استناد آنها صاحبان صلاحیت همتی کنند و کتاب دیگری درباره ایران باستان بنگارند لیکن حیف است که در اینجا از «نتیجه» نوشته وی چند سطری نقل نکنیم. در این «نتیجه» که می‌توان آن را «فلسفه تاریخ ایران» نامید گریشمن نگرش و بینش خود را درباره ایران و ایرانی به خواننده عرضه می‌کند، بینش و نگرشی که میتواند جزئی از اصول و مبانی تاریخ اجتماعی ایران به شمار رود، بینیم وی چه می‌گوید:

«... بدین وجه فرهنگ آنان (ایرانیان) که در یک زمان از منابع دو جهان مختلف استفاده می‌کرد توسعه یافت. نخست جهان شرق که خود از آنجا بیرون آمده بودند... دوم جهان غرب که مبادی شهرسازی و معماری، هنر، تزیینات و علوم از آنجا می‌آمد. ایرانیان به سبب استقرار در میان دو جهان مذکور از یک سو و از سوی دیگر به علت استعداد و فعالیت، تمدنی مختلط در ایران به وجود آوردند که به پیشرفت‌هایی نایل آمد و موجب تحسین ملل دنیا گردید.

ایرانیان نخستین ملتی هستند که دولتی جهانی ایجاد کردند که روح اغماض - عدالت (که پیش از آن شناخته نبود) در آن حکمفرما بود. آنان سرحداتی

جهان متمدن را به نواحی بعید مشرق، تا خط سیحون کشانیدند. خط دیوانی هخامنشی موجب پیدایش قدیمی‌ترین خط هندوستان گردید.

هنر سلسله موری (در هند) متقبس از هنر عهد فرمانروایان بزرگ بوده است. طرق بحری بین شرق اقصی و بحر الروم کشف شد و در نواحی واقع بین جیحون و سیحون مبانی شهرسازی و آبیاری را وارد کردند.

تمدن ایران در عهد ساسانی، همچنانکه از منابع خارجی مستفید بود، خود بیش از ادوار سابق به اعمال نفوذ در اقوام دیگر ادامه داد. هنر وی تا اقیانوس اطلس پرتو افکن شد و به صورت جریان جدید ایرانی - بودایی به چین رسید. ادیانی که در سرزمین ایران برخاستند - و در اروپا و افریقا با آنها مبارزه شد - در صحاری آسیای مرکزی نفوذ کردند. تشکیلات نظامی و ی‌اراه فروسیت قرون وسطی را آماده کرد و تشکیلات اداری آن در دربار شارلمانی نفوذ نمود. ملتی که توانست تمدن‌های عظیم دشت پهناور دوشط را بپذیرد و از آن خویش سازد، ملتی که پس از فتح مقدونیه تحت نفوذ نیرومند غربی قرار گرفت و تا حد زیادی در تمدن خارجی غوطه ور شد و مع هذا ایرانی باقی ماند»

در مجموع می‌توان گفت گریشمن با نگارش «ایران از آغاز تا اسلام»:

۱- با نگارش چنین کتابی به قول احسان یار شاطر در راه نرفته‌ای قدم گذاشته و از عهده آن به خوبی برآمده است از جمله در حالی که هنوز هم عده بسیاری آغاز زندگی اجتماعی در ایران را با نام آریایی‌ها می‌شناسند این کتاب بر اساس یافته‌های باستان شناسی قدمت هویت ایرانی را تا ۱۰/۰۰۰ سال پیش به عقب برده است.

۲- در این کتاب، استمرار تاریخ و فرهنگ ایران به بهترین شیوه ارائه شده است.

۳- وجود بیش از ۱۰۰ طرح و ۱۰۰ تصویر، نشانگر رنج و کوششی است که نویسنده (شاید با مساعدت دیگران از جمله همسرش، همان گونه در مقدمه چنان‌نییل اعتراف کرده) در آماده سازی این نوشته صرف کرده است. همچنین ارائه نقشه ایران در هر دوره راهنما و کمکی برای خواننده است تا بتواند نکات مورد نظر نویسنده را دریابد. کاری که متأسفانه بسیاری از نویسندگان خودی از آن غفلت می‌ورزند.

۴- همان گونه که گفتیم ارائه تصویری از اوضاع اداری اقتصادی و فرهنگی هر دوره، از محاسن مهم این کتاب است. هر چند همان گونه که گفتیم پس از گذشت چند دهه، امروزه حرف‌های تازه‌تری در زمینه‌های مذکور گفته‌اند.

۵- حسن دیگر «ایران از آغاز تا اسلام» تناسب فصل‌های آن است که نشانگر هنر نویسندگی گریشمن است. او در این اثر بنا را بر اجمال نهاده و به خوبی توانسته است عنان قلم را در اختیار بگیرد، تا آنجا که حتی در مواردی که حوزه تخصصی وی ایجاب می‌کرده

به بحث تفصیلی بپردازد، از این کار خودداری ورزیده است.

سخنی با ناسر

تردید نیست که انتشار چنین آثاری خدمتی ارزنده به فرهنگ مملکت محسوب می‌شود، و نیز بدون تردید مرحوم دکتر محمد معین با ترجمه این اثر که با مقایسه و مطالعه همزمان متن انگلیسی و فرانسه آن، به ترجمه پرداخته و به اقتضای مباحث کتاب، خود پی‌نوشت‌های سودمندی بر آن افزوده است. این پی‌نوشت‌ها بویژه در فصل پایانی کتاب بیشتر است و دلیل آن نیز احاطه بیشتر مرحوم معین بر موضوعات عصر ساسانی بوده است. با این حال به دلایل زیر شایسته است «ایران از آغاز تا اسلام» یک بار دیگر از نو ترجمه گردد:

۱- ترجمه مرحوم معین مشحون از لغات عربی و نامانوس است. این ادعا نیازی به ارائه نمونه ندارد و تمامی کسانی که «ایران از آغاز تا اسلام» را خوانده‌اند بدان اذعان دارند. بعلاوه معادل فارسی بسیاری از نام‌های به کار رفته در این کتاب، معادل رایج و مشهور آنها نیست. آیا خواننده فارسی زبان آئینه را به کار می‌برد و بهتر می‌شناسد یا آتن؟ فیلفوس یا فیلیپ؟ اقرایطش یا کیرت؟ غالباً یا گال؟ سیدون یا صیدا؟ اغطس یا اگوست؟ طرایانوس یا تراژان؟

۲- «زبان» همواره در حال تحول است. به هر حال متن فارسی «ایران از آغاز تا اسلام» متن ۴۰ سال پیش است. کدامیک از ادبا و نویسندگان عصر ما به شیوه این متن مطلب می‌نویسد؟ (مثلاً بنویسد کومک، شالوده، آذربایگان).

اغلاط و اشتباهاتی چند در کتاب حاضر راه یافته که طی این سالها اصلاح نشده است. از آن جمله است:

ص ۲۵۹	باده به جای بارة
ص ۳۱۳	فالج به جای فلج
ص ۳۲۷	ناکتون به جای تاکتون
ص ۳۴۶	یت به جای یا

همچنین در چاپ اخیر نقشه پارتها (صص ۹-۲۴۸) و ساسانیان (صص ۷-۲۹۶) در غیر جای خود ارائه شده‌اند، در حالی که در چاپهای قبل این خطا دیده نمی‌شود.

پی‌نوشت:

۱- مروری بر پنجاه سال باستان شناسی ایران، عزت‌الله نگهبان، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور ۱۳۷۶، صص ۲۷۰-۲۶۳ با تلخیص.

۲- ترجمه فارسی این مقاله را می‌توانید در این اثر ببینید مجموعه مقالات خلیج فارس، تهران - مرکز مطالعات - خلیج فارس و دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.

۳- مجموعه مقالات خلیج فارس، پیشین.

۴- ایران از آغاز تا اسلام، ص ۲۶۰.

۵- همان ص ۱۰۰.

۶- سخن، سال ششم، ش ۸.